

**فدک در تاریخ ترجمه و منتشر شد**

کتاب «فدک در تاریخ» اثر شهید محمد باقر صدر به تازگی توسط حجت‌الاسلام سید ابوالقاسم حسینی ترجمه و به همت پژوهشگاه تخصصی شهید صدر در ۲۳۵ صفحه منتشر شده است.



کتاب «فدک در تاریخ» اثر شهید محمد باقر صدر به تازگی توسط حجت‌الاسلام سید ابوالقاسم حسینی ترجمه و به همت پژوهشگاه تخصصی شهید صدر در ۲۳۵ صفحه منتشر شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، راشل کنتز فیدر، پژوهشگر بنیاد پژوهشی موشه دایان (وابسته به دانشگاه تل آویو) در طرح نامه دکترای خود که آن را در مجله مطالعات خاورمیانه بریتانیا منتشر کرده است، می نویسد: «تألیف این کتاب از سال ۱۹۴۶ آغاز شده است؛ سالی که صدر از کاظمین به نجف مهاجرت کرد تا تربیت دینی اش را آغاز کند. او علی رغم سن کم، بلوغ فکری اش را ثابت کرده بود؛ زیرا پیشتر در اوان نوجوانی در مباحث فلسفی و حقوقی تسلط پیدا کرده بود. گفتاری تاریخ نگارانه و محققانه درباره اختلاف نظر بر سر فدک، بخش اصلی این کتاب است؛ زیرا تا کنون تحقیقی نقادانه و جدی در این موضوع انجام نشده است. منابع اندکی درباره این واقعه هستند که نوعاً به حواشی پرداخته اند و یا واقعیت ها درباره نزاع فدک را خیلی ساده بیان کرده اند؛ مرنبسی و کورتز و کالدربینی به اختصار اشاره کرده اند که علی شریعتی در بیان نظرش درباره فاطمه به عنوان الگوی زنان، ماجرای فدک را هم بیان کرده است. کتاب او که مکرراً به فدک در تاریخ صدر هم استناد می کند، به فدک در بستر نیازهای زن مدرن می نگرد؛ یعنی آگاهی و مبارزه برای گرفتن حقوق اجتماعی و سیاسی خود.» راشل کنتز در تحقیق خود ابتدا به پژوهش های انجام شده درباره اندیشه و شخصیت شهید سید محمدباقر صدر در جهان پرداخته و سپس کتاب فدک در تاریخ را به نقد و تحلیل گذاشته و نقش تاریخ و جامعه پیرامون صدر در شکل گیری این کتاب و سپس تأثیرگذاری این کتاب بر شیعیان را بررسی کرده است.

صدر چنان که کنتز می گوید این کتاب را در نوجوانی خود نوشته است. احمد ابوزید العاملی در کتاب «محمدباقر الصدر؛ السیرة والمسیرة فی حقائق ووثائق» پس از بررسی های متعدد و نقد نظرات مختلف درباره سال دقیق تألیف این کتاب، چنین نتیجه می گیرد: «احتمالاً شهید صدر از فرصت تعطیلی دروس در ماه رمضان سال ۱۳۶۷ق (۱۹۴۶م) استفاده کرده و کتاب فدک در تاریخ را نگاشته است؛ شهید صدر در آن زمان صرفاً این کتاب را به عنوان یادنامه ای از مرحله علمی خود در آن دوران نوشته است، چنان که در پاسخ به یکی از شاگردانش درباره علت تألیف این کتاب می گوید: «من مطالب این کتاب را در دوران کودکی ام نوشته ام و دلم می خواست خاطره ای از آن دوران داشته باشم و برای همین این کتاب را تألیف کردم». البته این کتاب تا سال ۱۳۷۴ق به چاپ نرسید.» [محمدباقر الصدر، السیرة والمسیرة فی حقائق ووثائق، ج ۱؛ ص ۱۵۵].

این کتاب اگرچه در نوجوانی صدر (۱۲سالگی) تألیف شده، یکی از عمیق ترین و دقیق ترین کتاب هایی است که در تحلیل بخشی از زندگانی حضرت زهرا(س) به نگارش درآمده است. فدک در این کتاب نقش تنه ای تنومند از پژوهشی پر شاخه را ایفا می کند؛ پژوهشی که در ۵ فصل سامان می یابد و با نظمی خاص افزون بر نقل و نقد دقیق ماجرای فدک، به موضوعاتی عمیق تر در اندیشه دینی نیز می پردازد. تا آنجا که شاید بتوان گفت که اساساً صدر فدک را به مثابه دستمایه ای برای بررسی نوع برداشت مسلمانان صدر اسلام از معنای دین، برگزیده است و از این رو همان قدر که این کتاب ماهیتی تحلیلی-تاریخی دارد، می تواند پژوهشی در حوزه فلسفه دین نیز قلمداد شود. شاخه های این پژوهش، در عین اختصار، گستره پدیده ای دارد و برای مثال به دیدگاه های شخصیت های صدر اسلام در حوزه هایی مانند اقتصاد نیز می پردازد: «از همین جا، باور این دو خلیفه درباره مالکیت خصوصی نیز آشکار می شود. آن دو بر این باور بودند که خلیفه حق دارد اموال مردم را مصادره و برای امور کشور و مصارف عمومی دولت مصرف نماید، بی آن که به آنان عوض بپردازد یا از ایشان اجازه گیرد. بنابراین، هر گاه حکومت به اموال و دارایی های یکی از افراد جامعه نیاز داشته باشد، وی بر آن مالکیت ندارد.» [فدک در تاریخ، ص ۱۰۰]

علامه شهید سید محمدباقر صدر در فصل اول کتاب با نگارشی خیال انگیز و تصویرپرداز، چکیده وار اشاره ای به شرح حال حضرت فاطمه(س) پس از پیامبر(ص) می کند و حرکت او برای ستیز درباره فدک را به نمایش می کشد. در فصل دوم گزارشی دقیق و تفصیلی از آنچه بر فدک در طول تاریخ گذشته به دست می دهد و با دلایلی انکارناشدنی اهمیت و جایگاه مادی و معنوی فدک را تبیین می کند. سپس در فصل سوم به گزارش ماجرای فدک پس از پیامبر(ص) می پردازد. او در این فصل از پی نقد بر نوشته استاد عباس محمود عقاد درباره ماجرای فدک، شیوه علمی شایسته و رویکرد خود در این پژوهش را مشخص می کند و به شکل ضمنی مغفول نگه داشتن این بخش از تاریخ و بی اهمیت جلوه دادن آن را

در نوشته های شماری از پژوهشگران تاریخی، به پرسش و چالش می کشد. او در این فصل ریشه های تاریخی و زمینه های عاطفی مخالفت حضرت زهرا(س) با خلیفه اول را برمی شمرد. افزون بر این، به جنبه های سیاسی این حرکت که آن را انقلابی بر ضد قدرت حاکم می داند، می پردازد و می گوید: «اگر کسی ماجرای فدک و تحولات و گونه های مبارزاتی آن را به دقت بررسی کند، رویدادی از قبیل مطالبه یک زمین را در آن نمی بیند؛ بلکه مفهومی گسترده تر در ذهنش تجلی می یابد؛ مفهومی که خواسته ای بلندهمتانه را در دل خود دارد که برانگیزاننده انقلاب است و در پی بازپس گرفتن قدرت غصب شده و حاکمیت از دست رفته و شکوه بزرگ و به راه آوردن امتی است که به فقیرا بازگشته بودند. بر این اساس، فدک مفهومی نمادین دارد که به معنایی بزرگ اشاره می کند و مقصود از آن، فقط همان قطعه زمین غصب شده در حجاز نیست. و همین معنای نمادین فدک بود که آن مبارزه را از یک دادخواهی عادی با افقی محدود و دایره ای تنگ، به انقلابی با فلمروی وسیع و آفاقی گسترده تبدیل نمود.» بررسی وقایع سقیفه، تحلیل وضعیت گروه های سیاسی مختلف پس از رحلت پیامبر(ص) و تبیین اقتضات جایگاه امام علی(ع) و حضرت فاطمه(س) در موضع گیری ها، از جمله بحث هایی است که در این فصل دست به دست هم می دهند و جلوه ای شکوه مند از پژوهشی دقیق و خردپسند درباره یکی از مناقشه برانگیزترین فصول تاریخ اسلام را به نمایش می گذارند.

صدر در فصل چهارم، بخش هایی از سخنان حضرت زهرا(س) در خطبه مشهور فدکیه را گزینش می کند و آن ها را به شرح می گذارد. این فصل که با وصف فاطمه(س) از رسول خدا(ص) آغاز می شود، سخنان آن حضرت را به مثابه منشوری اعتقادی-فقهی و سپس درسنامه ای سیاسی-اجتماعی تبیین می کند و به رغم آنکه بخشی اندک از آن خطبه را نقل می کند، روح حاکم بر همه آن را به خوبی روشن می سازد.

صدر با فصل پنجم کتاب، دادگاهی برپا می کند و شکایت حضرت فاطمه(س) از خلیفه اول را طرح و پاسخ ها و ادعاهای خلیفه اول را در بوته نقد می گذارد. او در این فصل که مجموعه ای از بحث های فلسفی، زبانی، حدیثی، اصولی و فقهی را در خود دارد، قدرت علمی اش را به رخ می کشد. مبانی مختلف علمای شیعه و سنی در موضوعات گوناگون را نقل و نقد می کند. برای نمونه در ضمن بررسی معانی مختلف حدیثی که خلیفه اول درباره ارث گذاری انبیا به پیامبر(ص) نسبت داده است به بررسی حقیقت معنای ارث گذاری پرداخته و می نویسد: «در حقیقت، مال از فرد ارث گذارنده به فرد ارث برنده انتقال می یابد و علم و نبوت به صورت حقیقی انتقال نمی یابند. بر اساس نظریه اتحاد عاقل و معقول می توان به طور کاملاً واضح نشان داد که انتقال علم ممکن نیست. اما اگر به مغایرت وجودی میان عاقل و معقول اعتراف کنیم، باید گفت: در تجرد صورت های علمی و این که آن ها به نحو صدور، قائم به نفس هستند، هیچ تردیدی نیست؛ یعنی معلول نفس هستند و معلول واحد به حسب ذات - نه فقط به مجرد اتصال - به علت خویش وابسته است و هویتش با آن ارتباط دارد. پس محال است که به علتی دیگر انتقال یابد»؛ او هریک از مبانی مختلف فلسفی در این باره را در پاورقی به شکلی مختصر شرح می دهد و سپس وقتی به مباحث فقهی و اصولی کتاب می رسد در مقام عذرخواهی از مخاطبان می نویسد: «من پوزش می جویم که در این اثر از اصطلاحات علمی رایج در مباحث منطقی و فلسفی و فقهی و اصولی، جز به هنگام ناچاری، بهره نمی جویم؛ زیرا می کوشم تا مباحث این فصل برای افراد غیرمتخصص در این زمینه ها نیز قابل فهم باشد.» این مهم، یعنی قابل فهم بودن کتاب برای مخاطب عمومی، به رغم وجود مباحث تخصصی مختلف در آن، تا حدی زیادی محقق شده است و بی شک همه علاقه مندان به مباحث تاریخ اسلام از این کتاب سود می برند، اما کتاب به گونه ای عمیق نوشته شده است که هر کس به اندازه بهره ای که از علوم اسلامی دارد، می تواند تا عمق بیشتری از این کتاب پیش رفته و بهره برداری کند.

آیت الله سید کاظم حائری در مقدمه مباحث الأصول خود، در بیان رتبه والای علمی این کتاب به نقدهایی که علامه صدر بر برخی از نظرات فقهی بزرگان شیعه مانند صاحب جواهر و آقا ضیاء عراقی داشته، اشاره کرده است. یکی از آن ها نقد شهید بر استدلال صاحب جواهر بر نافذ بودن علم قاضی در مقایسه با بینه است. وی در این باره می نویسد: «البته به باور من، این دلیل (با آن که در این جا به سود سخن ماست) ضعفی ماهوی دارد؛ زیرا در آن، مقایسه میان بینه و علم حاکم در نسبت با متن واقعیت صورت نپذیرفته، بلکه تنها میزان تأثیر هر یک بر ذهن و جان حاکم در نظر گرفته شده است. در این حال، چنین نتیجه گرفته شده که علم از بینه قوی تر است؛ با این استدلال که یقین از ظن قدرتی بیشتر دارد. اما حقیقت آن است که در این مقایسه باید ملاحظه شود که در هر دادرسی کدام یک از این دو اصولاً برای دستیابی به حقیقت مطلوب شایسته تر است. در این گونه مقایسه، علم حاکم بر بینه برتری نمی یابد؛ زیرا همان سان که بینه گاه به خطا می رود، علم حاکم نیز دچار خطا می شود. پس این هر دو در نگاه شرع یکسان هستند و در معرض لغزش و اشتباه قرار دارند.»

چه بسا همین مباحث سبب شده است که علامه سیدعبدالحسین شرف الدین (صاحب کتاب شریف المراجعات) با مطالعه همین کتاب به اجتهاد سید محمدباقر صدر گواهی بدهد. فرزند علامه شرف الدین می گوید: پس از آنکه کتاب فدک به پدرم رسید، ایشان کتاب را مطالعه کرد و پس از اتمام کتاب آن را بست و گفت: «أشهد بالله أنه مجتهد؛ به خدا

سوگند که او مجتهد است.» (محمدباقر الصدر، السيرة والمسيرة في حقائق ووثائق، ج ۱؛ ۱۸۱، ص ۲۲۲).

گذشته از محتوای کتاب، ادبیات و نوع استدلال آن نیز بخشی دیگر از اهمیت و نمونه نوآوری آن است. صدر درباره موضوعی که در قلمرو مسائل اختلاف برانگیز مذهبی قرار می گیرد، به گونه ای قلم زده است که درعین حفظ رویکردهای مذهبی، ادبیات آن ویژه شیعه نیست و می توان آن را به راحتی در اختیار اهل سنت قرارداد تا بدون تحریک حساسیت های مذهبی، به شکلی دقیق با نظر شیعیان درباره ماجرای فدک آشنا شوند.

کتاب «فدک در تاریخ» به تازگی توسط حجت الاسلام سید ابوالقاسم حسینی و به همت پژوهشگاه تخصصی شهید صدر در ۲۳۵ صفحه به فارسی برگردانده شده است. چنان که از متن ترجمه پیداست، مترجم بیش از آن که جانب روان بودن متن را لحاظ کند، در پی دقت در ترجمه و امانت داری در انتقال محتوا بوده است که با بررسی بخش های مختلف ترجمه می توان به این نتیجه رسید که در این تلاش تا حد زیادی موفق بوده است. همچنین در مقایسه با سایر آثار ترجمه شده از علامه صدر از شیوایی خوبی نیز برخوردار است. از ویژگی های مهم این ترجمه ارجاعات متعددی است که گروه تحقیق پژوهشگاه برای نقل های مختلف تاریخی ارائه کرده اند که بر کاربرد تحقیقی کتاب افزوده است.